

# چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور در حوزه اقتصاد و فناوری

محمدرضا میرزا امینی

حرکت در جهت چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور نیازمند تلاش همه‌جانبه مسئولان و نخبگان کشور است. در این مقاله بعد از بررسی وضعیت کشور از ابعاد مختلف اقتصادی و فناوری و تبیین جایگاه آن در منطقه، تلاش می‌شود تا چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور در حوزه اقتصاد و فناوری شفاف گردد.

کشور باید در افق ۲۰ ساله خود، به اقتصادی دانش‌بنیان و یادگیرنده که در منطقه‌ای شکوفا، حائز برتری است و کاملاً توسعه یافته محسوب می‌گردد (و دارای ویژگی‌های طرح شده

در مقاله است) تبدیل شود.

در همین راستا، کشور در یک افق ۲۰ ساله به «مرکز تعالی فناوری‌های پیشرفته در منطقه» تبدیل خواهد شد که نوآور و خوداتکا بوده و به سبب داشتن توانمندی‌های دانشی و فناورانه متمایز و رقابت‌پذیر، برترین کشور از جهت علمی، فناوری و صنعتی در سطح منطقه و دارای جایگاهی برجسته در سطح جهانی است (ویژگی‌های مربوطه در مقاله شرح داده شده است).



تمامی افراد، سازمان‌ها و کشورها در حال حرکت به سمت تصورات خود و دیگران از آینده هستند. این تصورات که برخاسته از نگرش‌ها، باورها، ارزش‌ها، توانایی‌ها، امکانات، ایمان و امید است خواسته یا ناخواسته، جهت حرکت آینده ما را مشخص می‌نمایند. قطعاً کسانی که خود آگاهانه، چشم‌انداز روشنی را برای آینده خویش خلق می‌نمایند و می‌کوشند آینده بهتری را برای خود و دیگران رقم بزنند برنده بازی فردا هستند.

به اعتقاد اندیشمندان، وجود یک چشم‌انداز بزرگ و پرشکوه در پیش رو، علاوه بر آنکه باعث انسجام امور و حرکت هدفمند می‌شود، افراد را نیز برانگیخته و «کششی خلاق و سازنده» ایجاد می‌نماید. چشم‌اندازهای موجود در زندگی افراد را می‌توان این‌گونه سطح‌بندی نمود:

- \* چشم‌انداز جهانی
- \* چشم‌انداز منطقه‌ای
- \* چشم‌انداز ملی
- \* چشم‌انداز استانی و شهری

\* چشم‌انداز سازمانی و کاری  
\* چشم‌انداز شخصی  
هر یک از این چشم‌اندازها خود می‌توانند دارای ابعاد مختلف بخشی باشند. روشن بودن این چشم‌اندازها برای افراد جامعه، باعث حرکت سازنده و بانشاط آنان در جهت توسعه شخصی، محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی خواهد شد. بلا تکلیفی، سرگردانی و روزمرگی از مهمترین آسیب‌های شخصی و اجتماعی محسوب می‌شوند که همچون مانعی آشکار یا پنهان، فرد و جامعه را از

حرکت مثبت باز می‌دارد.

اگرچه بحث راجع به آینده جهان، منطقه و کشور از حوصله این مطلب خارج است، اما مختصراً اشاراتی بدان خواهیم داشت تا بهتر بتوانیم وارد بحث ملی شویم.

بشر در طول تاریخ، شاهد سه انقلاب کشاورزی، صنعتی و اطلاعاتی در عرصه زندگی خود بوده است. چندین دهه است که جوامع بشری وارد عصر اطلاعات و دانش شده‌اند. فناوری اطلاعات و ارتباطات به عنوان پیشران اصلی این عصر، تغییرات اساسی در نحوه زندگی انسان و امور اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و دفاعی او به وجود آورده است. بعضی از آینده‌پژوهان نیز روند تکامل و بلوغ فناوری اطلاعات (توام با سایر فناوری‌ها همچون فناوری نانو و فناوری زیستی) را زمینه‌ساز انقلاب سایبری و باعث ظهور عصر چهارم زندگی بشر می‌دانند.

مطالعه رویکردهای جهانی نشان می‌دهد که در شرایط فعلی، برخی جوامع در حال حرکت از جوامع صنعتی به سمت جوامع فراصنعتی یا جامعه اطلاعاتی و بالتبع آن شکل‌گیری یک جامعه دانش‌بنیان یا یادگیرنده هستند. سیاست‌گذاران کشورهای مختلف به خوبی دریافته‌اند که باید اهمیت روزافزون اطلاعات و دانش را جدی گرفت و از امروز خود را آمیخته‌ای آینده‌های متفاوت ساخت.

خاورمیانه، علیرغم آنکه همچون قلبی برای جهان است، اما به‌کندی مسیر رشد و توسعه خود از ابعاد گوناگون را می‌پیماید. بحران‌های مختلف امنیتی، سیاسی و اجتماعی و نبود همکاری‌های مناسب منطقه‌ای، باعث بروز شرایط ناپایدار در منطقه و عدم حرکت پویای این جوامع به سمت آینده‌ای باشکوه است. کشور عزیزمان ایران نیز می‌کوشد در جهت اهداف عالی جهانی خود، ضمن رسیدن به برتری در منطقه، حرکتی جدی را در جهت مشارکت و پیشبرد کمال و تعالی در سطح جهان آغاز نماید.

### چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور

خوشبختانه کشور ما نیز همسو با

تحولات جهانی، چشم‌اندازی را در افق ۲۰ ساله برگزیده است تا در سال ۱۴۰۴ هجری شمسی (۲۰۲۵ میلادی) به کشوری توسعه‌یافته و دارای جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، توأم با حفظ هویت اسلامی و انقلابی و الهام‌بخش در جهان اسلام همراه با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌المللی تبدیل گردد. بنابراین ضروری است کشور بر اساس رویکرد توسعه‌دانی محور به جامعه‌ای دانش‌بنیان مبدل گردد.

این چشم‌انداز بر اساس مطالعات مجمع تشخیص مصلحت نظام و اصول و جهت‌گیری‌های رهبر کشور در سال ۱۳۸۲ تصویب و به‌قوای مختلف ابلاغ گردیده است (در ادامه به تشریح مختصر این چشم‌انداز بر اساس سند موجود می‌پردازیم).

جامعه ایرانی باید در این افق، کشوری توسعه‌یافته در الگویی متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود، متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی با تأکید بر مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها، و بهره‌مندی از امنیت اجتماعی و قضایی باشد.

باید تولید ملی آن بر خوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی باشد؛ یعنی اقتصادی دانش‌بنیان و فناوری محور شکل گیرد که بتواند با استفاده گسترده و بهره‌ور از منابع انسانی و اجتماعی، سطح رفاه ملی را تا حد یک کشور کاملاً توسعه‌یافته ارتقا بخشد. رفاه ملی‌ای که مستلزم برخورداری از سلامت، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به‌دور از فقر، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیستی مطلوب است.

در این چشم‌انداز، ویژگی‌های فرد ایرانی مطلوب نیز این‌گونه تعریف شده است: فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مومن، رضایت‌مند، برخوردار از وجدان کاری، دارای انضباط، روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به

انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران، و مفتخر به ایرانی بودن خود.

از بعد امنیت ملی باید کشوری امن، مستقل و مقتدر مبتنی بر نظام دفاعی دارای بازدارندگی همه‌جانبه (و دارای پیوستگی مردم و حکومت) شکل گیرد. رسیدن به چنین چشم‌اندازی نیازمند هوشمندی امنیتی است که خود مستلزم هوشمندی سیاسی و هوشمندی دفاعی است؛ به عبارتی باید سیاست‌ها و استراتژی‌هایی دفاعی اتخاذ گردد، که منتج به توسعه توانمندی‌ها و قابلیت‌هایی در بخش دفاع کشور می‌شود که در راستای افزایش اقتدار دفاعی کشور و حرکت به سمت رفع تهدیدات امنیتی منطقه‌ای و جهانی و شکل‌گیری یک فضای امنیتی پایدار و قابل‌پیش‌بینی در جهت تأمین منافع ملی باشد. هوشمندی امنیتی خود مستلزم آن است که بخش دفاع به سازمانی اطلاعاتی و دانش‌بنیان بدل گردد.

در زمینه تعاملات جهانی، باید در جهان اسلام، الهام‌بخش، فعال و مؤثر باشد. این امر از طریق تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی، توسعه کارآمد، شکل‌گیری جامعه‌ای اخلاقی، نوآندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای بر اساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی میسر می‌گردد. در بعد روابط بین‌المللی نیز باید دارای تعاملی سازنده و مؤثر با جهان بر اساس سه اصل عزت، حکمت و مصلحت باشد.

لازم به ذکر است منطقه شامل ۲۰ کشور ذیل می‌باشد: ۱- ایران ۲- ترکیه ۳- پاکستان ۴- مصر ۵- عربستان ۶- اسرائیل ۷- عراق ۸- امارات ۹- سوریه ۱۰- کویت ۱۱- عمان ۱۲- آذربایجان ۱۳- اردن ۱۴- افغانستان ۱۵- قطر ۱۶- لبنان ۱۷- یمن ۱۸- بحرین ۱۹- ترکمنستان ۲۰- ارمنستان

### دانش چیست؟

از آغاز خلقت همواره انسان با موضوع "دانش" همراه بوده است و دانش، نقشی اساسی در زندگی او داشته است. اما به‌گفته

به افزایش رفاه و ثروت)، توسعه مبتنی بر صنعتی شدن به سرعت کشورهای مختلف، به خصوص کشورهای غربی و بعد کشورهای جنوب شرق آسیا، را درنوردید. به همین علت ما شاهد ظهور "جامعه صنعتی" در جهان بودیم. جامعه صنعتی نیز به سرعت "جامعه فناورانه" را در دل خود خلق کرد.

با پیشرفت گسترده فناوری اطلاعات و ارتباطات در جهان (به خصوص اینترنت)، و فزونی یافتن اهمیت "اطلاعات" در زندگی و کسب و کار افراد، به مرور شاهد ظهور "جامعه اطلاعاتی" در کشورهای پیشرو هستیم. به تعبیر ساده، "جامعه اطلاعاتی" جامعه‌ای است که اطلاعات (دسترسی، جریان، تبادل، مدیریت، پردازش، و استفاده از آن)، نقشی اساسی در زندگی افراد آن (کسب و کار، خدمات اجتماعی، رفاه، تفریحات، روابط، اقتصاد، فرهنگ، سیاست و دفاع) بازی می‌کند: افراد در تمامی تعاملات، مراحل و فرآیندهای زندگی خود، وابسته به اطلاعات هستند. امروز "اقتصاد اطلاعاتی" نیز بر پایه اشاعه گسترده فناوری اطلاعات در جوامع مختلف شکل گرفته است.

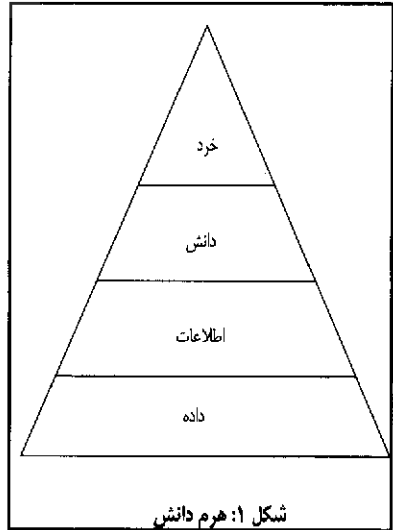
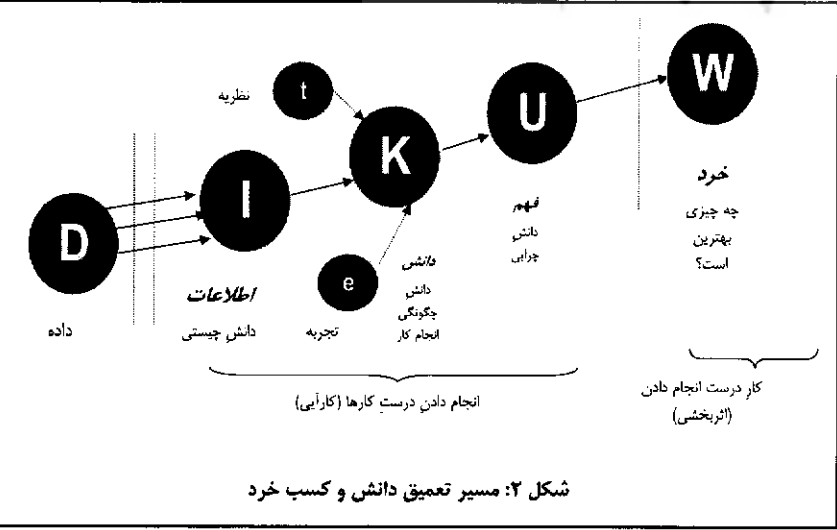
اگرچه فعالیت‌های انسان از گذشته بسیار دور، عجین با دانش بوده است، اما حدود یک دهه است که با تشدید اهمیت دانش در کسب و کارها و اقتصادهای نوین (بالاخص خدماتی) در اثر بروز و استفاده گسترده از فناوری‌های مختلف، به خصوص فناوری‌های برتر، از یک طرف، و از طرف دیگر

درونی تر موضوع را نگرینسته و "اطلاعات" را همان داده‌های مرتب شده طبق الگوهای معنادار بیان می‌کنند و "دانش" را به عنوان "کاربرد یا استفاده کاربردی از اطلاعات" معرفی می‌نمایند. به هر تقدیر، معماری دانش مشتمل بر سه بخش اساسی است: مهارت، اطلاعات و سازمان (یا ساختار)؛ البته بعضاً اندیشمندان "نوآوری" را نیز جزئی از آن دانسته‌اند (محبوبی، ۱۹۹۷). دانش دارای دو نوع کلی است: دانش صریح یا مدون، و دانش ضمنی. مایکل پولانی (۱۹۶۶)، دانش صریح را دانشی معرفی می‌کند که قابل تدوین و مکتوب سازی از طریق زبان‌های رسمی و انتقال به دیگران هستند، درحالی‌که دانش ضمنی، دانش شخصی افراد است که به مرور زمان و دربردارنده عواملی غیر ملموس همچون مهارت‌ها، اعتقادات، دیدگاه‌ها و ارزش‌های شخصی است.

**جامعه دانش بنیان چیست؟**

در هر عصری، متناسب با اینکه چه مقوله‌ای نقش کلیدی تری در زندگی افراد هر اجتماع بازی می‌کند، جامعه‌ای هماهنگ و مبتنی بر چارچوب‌ها، الزامات و مسایل آن شکل می‌گیرد. تا گذشته‌های نه چندان دور، ما شاهد وجود "جامعه کشاورزی" بودیم (که البته هنوز هم در بسیاری از نقاط دنیا وجود دارد). با رشد جمعیت جهان و افزایش نیازهای مردم (همراه با تمایل افراد

نیکو استر "هنوز دانش ما راجع به دانش، بسیار اندک است!". تعاریف بسیار متعددی راجع به دانش وجود دارد به گونه‌ای که به تعبیر داریوش محبوبی (۱۹۹۷) "ما به تعداد انسان‌هایی که خود را صاحب دانش می‌دانند، تعریف از دانش در اختیار داریم!". به همین خاطر ما صرفاً به ذکر تعریفی کلی از دانش می‌پردازیم و می‌کوشیم از طریق شکل‌های ۱ و ۲، بیشتر جایگاه دانش را تبیین نماییم. طبق تعریف دانیل بل (۱۹۷۳)، دانش "مجموعه‌ای از گزاره‌های ساخت یافته راجع به واقعیت‌ها و یا ایده‌ها است که حاوی قضاوتی مستدل یا نتیجه‌ای آزموده شده است و از طریق رسانه‌های ارتباطی، در قالبی نظام مند، به دیگران منتقل می‌گردد". پس در واقع دانش (تمایز از اخبار و سرگرمی‌ها)، دربردارنده قضاوتی جدید یا تبیین جدیدی از قضاوت‌های گذشته است (محبوبی، ۱۹۹۷). به تعبیر آل گور، دانش، چکیده اطلاعات است که گاهی اوقات از تخمیر فکری آن، "خرد" (یا "معرفت") متولد می‌شود. در ادبیات "هوش مصنوعی"، "داده‌ها" مواد خام اطلاعات هستند و "اطلاعات"، چستی آنچه که ارایه شده (یعنی داده‌ها) هستند. در واقع به تعبیر شانون (بنیان گذار نظریه اطلاعات در دهه ۱۹۳۰)، اطلاعات، همان "کاهش عدم قطعیت‌ها" هستند. و نهایتاً، "دانش" چستی و چگونگی آنچه بازنمایی شده (یعنی اطلاعات) هستند. استان دیویس و جیم بوتکین، از نگاهی



تسهیلات گسترده‌ای که فناوری اطلاعات در زمینه مدیریت دانش فراهم ساخته است، هنوز قبل از اینکه جوامع اطلاعاتی به طور کامل شکل بگیرند، شاهد ظهور مفاهیم "جامعه دانشی (یا دانش بنیان)" و "جامعه یادگیرنده" هستیم. این دو مفهوم که تلویحاً معادل هستند به جوامعی اطلاق می‌شوند که دانش، نقش بنیادینی در بخش‌های مختلف آنان بازی می‌کند؛ به تعبیر دیگر دانش عنصر اساسی سازنده و شکل دهنده محتوای اقتصاد، فرهنگ، سیاست و دفاع آنان است. در دنیای به سرعت در حال تغییر امروز، حفظ و توسعه پایگاه‌های دانشی جامعه (به عنوان ارزشمندترین سرمایه‌های آن)، در گرو یادگیری سریع و مستمر افراد آن است. برای اولین بار، پل رومر، اقتصاددان برجسته دانشگاه استنفورد، نظریه "رشد نوین" خود را در برابر نظریه اقتصادی نئوکلاسیک ارائه کرد. او تصریح کرد که برخلاف نظریه اقتصادی نئوکلاسیک که در آن "نیروی کار" و "سرمایه" نقش کلیدی در تولید بازی می‌کنند، "دانش" به عنوان عامل سوم، نقش اساسی‌تری در اقتصادهای پیشرفته ایفا می‌نماید. رومر اظهار داشت که دانش، یکی از قالب‌های اساسی سرمایه است و رشد اقتصادی پایدار (و درازمدت) تنها از این طریق اتفاق می‌افتد. در اقتصادهای پیشرفته‌ای همچون آمریکا، ۶۰ درصد نیروی کار را "کارکنان دانشی" (یا دانشوران) تشکیل می‌دهند. کارکنان دانشی یا به تعبیری "تحلیل‌گران نمادها" افرادی هستند که به جای تمرکز بر ماشین‌ها و دستگاه‌ها، به کار با "نمادها" می‌پردازند. از جمله این افراد می‌توان به طراحان، معماران، پژوهشگران، مهندسان، معلمان، تحلیل‌گران و امثالهم اشاره کرد.

تفاوت دو مفهوم جامعه دانش بنیان و جامعه یادگیرنده در محوریت دادن متفاوت به دو مقوله دانش و یادگیری است. در جامعه دانش بنیان، محوریت با دانش (به عنوان محتوا) است در حالیکه در جامعه یادگیرنده، محوریت اساسی با یادگیری (به عنوان فرآیند و ابزار) است. پس می‌توان جامعه یادگیرنده را

زیرساختی برای یک جامعه دانشی تلقی کرد. به هر حال هر دو مفهوم دانش و یادگیری، مکمل یکدیگرند و نتیجه پرداختن و اهمیت دادن به هر یک، واحد است: توسعه، رشد و پیشرفت.

با تمرکز روی یادگیری، جامعه شرایطی را خلق می‌کند که پشتیبان توسعه موفق یک اقتصاد یادگیرنده و مبتنی بر دانش خواهد بود. جامعه یادگیرنده، بالاترین اولویت‌ها را در آموزش قرار می‌دهد و ظرفیت‌های سیستم آموزشی خود را توسعه می‌دهد. جامعه یادگیرنده، به نوآوری و خلاقیت بها می‌دهد و ارزش فوق‌العاده‌ای برای آن در جامعه خلق می‌نماید. جامعه یادگیرنده به تشدید، تحریک و گسترش همکاری‌ها و هم‌افزایی‌ها در خلق دانش، و بین دانش و هنر می‌پردازد و توزیع دانش در جامعه را تسهیل و تسریع می‌نماید. این جامعه، فرصت‌ها و امکانات را به صورتی برابر و عادلانه، خلق و بین شهروندان تقسیم و توزیع می‌نماید. سیستم آموزش جامعه، دانشگاه‌ها و مدل‌های یادگیری (یادگیری ضمن کار و خدمت)، دارای نقش محوری و کلیدی می‌باشند.

از آنجا که مشاغل آینده، بیشتر ماهیت نرم‌افزاری، فکری، خدماتی و تخصصی دارند تا جسمی و سخت‌افزاری، لذا الزامات نیروی کار فردا، متفاوت با شرایط فعلی است. نیروی انسانی آینده باید به چند توانمندی اساسی مجهز باشد: یادگیری مادام‌العمر و فراموشی سریع، نوآوری و خلاقیت، کارآفرینی، انعطاف و وفق‌پذیری، سواد فناوری (و سواد اطلاعاتی که در ادامه به تشریح آن خواهیم پرداخت)، پژوهش‌گری، آینده‌نگری و آینده‌پژوهی؛ تمامی این موارد، عناصر سازنده کارکنان دانشی آینده است. امروز تمامی کشورهای موفق و آنان که مصمم به کسب آینده‌ای درخشان هستند، به طور جدی برای تربیت نیروی انسانی آینده خود برنامه‌ریزی نموده‌اند (یا می‌نمایند). تمامی این موارد همراه با موارد تسهیل‌کننده، تسریع‌کننده و حمایتی، "سیستم ملی نوآوری" یک کشور را بنا می‌نهند که شالوده یک اقتصاد دانشی و یادگیرنده شکوفا و پایدار است.

## خوشه دانشی چیست؟

هنگامی که راجع به یک موضوع یا مساله خاص فکر می‌کنیم، ناخودآگاه ذهنمان به مقولات مرتبط نیز کشیده می‌شود. به عنوان مثال، هیچگاه نمی‌توان وضعیت یک کارخانه را بدون در نظر گرفتن منابع نیروی انسانی آن، بازار محصولات، ساختارهای نهادی و قانونی، نظام اقتصادی و سیاسی، سیستم آموزش، فناوری‌ها، رقبا، تامین‌کنندگان، نمایندگی‌ها و سیستم خدمات بعد از فروش و امثالهم مورد بررسی درست و جامع قرار داد و راهکارهای کارآمد و اثربخشی برای حل مشکلات و یا بهبود شرایط آن ارائه کرد. پس ما با "خوشه‌ای" از مسایل و مقولات مرتبط با یک موضوع خاص مواجه هستیم که باید همگی آن‌ها را مدنظر داشته باشیم.

در چند دهه اخیر، رویکرد خوشه‌ای به مسایل که برگرفته از نگاه "کل‌نگرانه" (در برابر جزءنگری) است، روش‌های نوینی را پیش روی برنامه‌ریزان قرار داده است. اولین بار مفهوم "خوشه صنعتی" ابداع گردید که کلیه مسایل، موضوعات، ساختارها، سازوکارها و عناصر مرتبط با یک صنعت خاص را، در یک منطقه، کشور یا جهان، دربرمی‌گرفت (مثلاً خوشه صنعت هوافضا). اقتصاددان هارواردی، مایکل پورتر (۱۹۹۰) در کتاب ارزشمند خود، **مزیت رقابتی ملت‌ها**، از ترکیب نظریات موجود در زمینه توسعه منطقه‌ای و عناصر سازنده استراتژی کسب و کارها، ایده خوشه‌های صنعتی موفق را در قالب "الماس مزیت" تئوریزه نمود. این الماس از چهار عنصر ساخته شده است:

**الف. شرایط عامل:** مواهب منطقه‌ای در زمینه مواهب تولید همچون منابع انسانی، فیزیکی، دانشی و سرمایه‌ای، و زیرساختی که موفقیت یک صنعت خاص را تسهیل می‌نماید.

**ب. شرایط تقاضا:** ماهیت نیازها و احتیاجات منطقه‌ای که می‌توان مشوق و محرک نوآوری بیشتر در صنایع منطقه باشد.

**ج. صنایع مرتبط و حامی:**



مردم و حکومت‌مداران خود رنج می‌برند. افرادی سواد به چندین علت پیشرفت نمی‌کنند. علت اول اینست که "نمی‌دانند" و "نمی‌فهمند" پس در نتیجه "نمی‌خواهند". دومین علت آن این است که "نمی‌توانند". توجه و اولویت دادن به سواد و سوادآموزی برای هر جامعه‌ای که می‌خواهد مسیر رشد و تعالی را طی کند و همواره به سمت کسب رفاه بیشتر و ارتقای کیفیت زندگی خود گام بردارد، ضروری و حیاتی است. به همین علت شاهدیم که چشم‌انداز مطلوب تمامی کشورهای پیشرفته (از سالیان دور)، داشتن شهروندانی باسواد بوده است. اما نکته شایان توجه اینست که مفهوم سواد نیز به مرور زمان تکامل یافته است و امروز شاهد مفهوم "چندسواد" هستیم.

از آنجا که دنیای امروز به سرعت در حال تغییر و پیشرفت است، مقوله سواد نیز دائماً در حال تغییر و پویایی بوده است. همگام با پیشرفت‌های گسترده و پرشتاب علم و فناوری، مفهوم، کیفیت، گستردگی و استانداردهای سواد نیز دائماً در حال تغییر و تکامل است.

متأسفانه شتاب رشد و تغییر جهان بگونه‌ای بوده است که انسان (اکثریت جوامع)، از آن عقب مانده‌اند. این نکته هم‌اکنون به دغدغه‌ای جدی برای خود کشورهای پیشرفته نیز مبدل شده است. پژوهشگر و اندیشمندی به نام بورک، بعد از بررسی‌های گسترده‌ای که راجع به فناوری و سواد در دهه ۱۹۶۰ انجام داد، با شگفتی بیان داشت: "هرگز این همه انسان، در باره فناوری تا این حد نادان نبوده‌اند". او این وضع را فاجعه‌آمیز می‌دانست و بر این اعتقاد بود که دیگر نمی‌توانیم نسلی جدیدی از افراد "بی‌سواد در فناوری" تربیت کنیم. از همان زمان مفهوم "سواد فناوری" متولد شد و محققین مختلف به این نتیجه رسیدند که باید روش‌های آموزش و یادگیری (به‌خصوص در مورد علم و فناوری) در مدارس، دانشگاه‌ها و حتی محیط کار اصلاح گردد.

در سال ۱۹۸۲ پژوهشگر بزرگی به نام هیرش، مفهوم "سواد فرهنگی" را برای

ثبت و ضبط نموده، بهبود داده، سازو کارهای به‌اشتراک‌گذاری و توزیع دانش سازمان را فراهم نموده، یادگیری مستمر (و مادام‌العمر) داشته باشند و از طریق نوآوری‌های تدریجی به بهبود مستمر محصولات و فناوری‌های خود بپردازند. در یک کلام، سازمان‌ها و شرکت‌های کشورهای در حال توسعه بکوشند بر مبنای مواهب طبیعی، صنایع سنتی و شایستگی‌های موجود، مدیریت دانش را در خود (و در کل کشور) بنانهند تا سریعتر و آسان‌تر بتوانند به سمت فناوری‌های برتر حرکت کرده و از قافله پیشرفت‌های آینده عقب نمانند.

در همین راستا چندی است شاهد ظهور ایده "خوشه‌های دانشی روستایی" به عنوان الگویی برای نوآوری روستایی نیز هستیم. به خصوص کشور کانادا بر مبنای تجربیات موفق خود در این زمینه، به‌طور گسترده‌ای برای ایده برای توسعه نوآورانه و پایدار مناطق اقتصادی روستایی کشور، متمرکز گردیده است. هدف اصلی سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان در این زمینه، عقب‌نماندن مناطق روستایی کشور از قافله "جامعه دانش‌بنیان جهانی" است. طبق تعریف، خوشه‌های دانشی روستایی، به مجموعه‌ای از شرکت‌های نوآور و مرتبط مستقر در مناطق روستایی (غیرشهری) اطلاق می‌شود که می‌کوشند از طریق گردآوری، انباشت و جذب دانش در میان نقش‌آفرینان و نهادهای محلی، به ایجاد و تقویت مزیت رقابتی بپردازند. به عنوان مثال، این خوشه‌های دانشی روستایی می‌توانند حول صنایع خوب، محصولات کشاورزی، چرم و پوست، صنایع دستی و امثالهم شکل بگیرند و توسط مدیران مورد برنامه‌ریزی قرار بگیرند تا مسیر توسعه خود را طی نمایند.

### چه کسی در هزاره نونین

#### باسواد است؟

تمامی اندیشمندان و صاحب‌نظران بر این باورند که شکوفایی و تعالی هر جامعه در گرو وجود شهروندانی باسواد است. تجربیات کشورهای مختلف نیز مؤید این نظر است. تمامی جوامع عقب‌مانده جهان، یعنی همان کشورهای جهان سوم، همواره از بی‌سواد

شبکه‌های خریداران و تامین‌کنندگانی که در تعاملی تنگاتنگ، مشوق تبادل فعالانه اطلاعات، یادگیری جمعی و نوآوری زنجیره تامین هستند.

### د. استراتژی، ساختار و رقابت

**صنعتی:** جو و فضایی که مشوق شدید رقابت در میان تولیدکنندگان محلی در عین همکاری و همیاری در به‌اشتراک‌گذاری نیازها و بارورسازی آن‌ها در راستای نوآوری و مزایای رقابتی منطقه است.

(یورتر علاوه بر چهار عنصر اصلی مذکور، دو عامل جانبی "دولت" و "شانس" را نیز بر مزیت رقابتی و مسیر توسعه خوشه‌های صنعتی موثر می‌داند).

به مرور و با اهمیت یافتن مقوله "فناوری" به جای "صنعت"، مفهوم "خوشه فناوری" متولد شد (همچون خوشه فناوری اطلاعات). امروز آنچه به‌طور جدی توجه اندیشمندان، مدیران و سیاست‌گذاران را به خود جلب نموده است ظهور مفهوم "خوشه دانشی" است که محوریت را در "دانش" می‌بیند.

برنامه‌ریزی برای تولید، اشاعه، به‌اشتراک‌گذاری و بکارگیری دانش، مبنای نگرش خوشه‌های دانشی است. اولویت دادن به دانش به جای مقولات دیگر (همچون مواهب طبیعی، تجهیزات، سرمایه و امثالهم) در بسیاری از نقاط جهان، تجربیات موفقیتی به بار آورده است. حسن اصلی این نگاه، آن است که الزاماً کاربردپذیری آن در حوزه فناوری‌های برتر نیست، بلکه می‌توان آن را به روشی موفقیت‌آمیز در حوزه فناوری‌های سطوح متوسط و پایین (حتی صنایع سنتی و دستی) نیز بکار گرفت. شرکت‌های مبتنی بر فناوری‌های برتر امروزی همچون نوکیا، سآب و ولوو (که همگی سوئدی هستند)، همگی تا چندین سال پیش، چوب‌بری (صنایع تولید محصولات چوبی) بوده‌اند! مطالعات بانک جهانی (۲۰۰۳) صراحتاً به کشورهای جهان سوم و در حال توسعه پیشنهاد می‌نماید بکوشند با بهره‌گیری از مواهب طبیعی خود، سازمان‌هایی بنانهند که مبتنی بر دانش باشند یعنی مستمراً مهارت‌ها، تجربیات و شایستگی‌های خود را

آمریکاییان ابداع کرد. او در کتاب معروفش، سواد فرهنگی را با یک جمله تعریف کرد: "هر آنچه یک آمریکایی باید بداند." او مجموعه‌ای از دانش، اطلاعات و توانمندی‌ها را که باید یک فرد برای بقا و رشد در عصر حاضر بداند تعریف کرد. این اطلاعات در حوزه‌های مختلفی همچون ادبیات، تاریخ، علم و فناوری، زبان‌های مختلف، فرهنگ‌ها، هنر، رسانه‌ها، سیاست و غیره قرار دارند (در واقع چندین سواد مختلف را در دل خود جای داده است). او در سال ۲۰۰۱ کتاب "دایره‌المعارف کامل سواد فرهنگی" را منتشر کرد که به طور مفصل و در قالب یک فرهنگ لغات و اصطلاحات به تعریف تمامی موضوعات مورد نیاز افراد پرداخت.

اما جالب است بدانیم کانون تمامی این دغدغه‌ها و تحقیقات گسترده‌ای که راجع به سواد و انواع آن انجام شده است، کشور آمریکا است. کشوری که مهد نوآوری و پیشرفت است به خوبی می‌داند که برای تداوم رشد خود نیازمند سواد و آگاهی‌های بالای شهروندان خود است.

هم‌اکنون این دغدغه‌ها در آمریکا در اوج خود قرار دارد. بیش از ۳۰ نوع مفهوم سوادی مختلف مورد نیاز کشف شده و مورد بررسی و تحلیل واقع شده است. استانداردهای بعضی از آن‌ها تدوین شده است و نظام آموزشی این کشور، در حال گنجاندن آن‌ها در درس دوره تحصیلی دانش‌آموزان است. به علاوه رسانه‌های جمعی این کشور، سایت‌های اینترنتی اطلاع‌رسانی، دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی، اندیشه‌گاه‌ها و از همه مصمم‌تر دولت آمریکا، عزم خود را جزم نموده‌اند تا سطح سواد و آگاهی‌های مرتبط و مورد نیاز مردم خود را در کوتاه‌ترین زمان ممکن، یا بهتر است بگوییم قبل از اینکه دیر شود، افزایش دهند.

"سواد" در واقع شالوده آگاهی‌ها، ظرفیت و توان افراد در

کسب دانش و زیربنای اعمال و امور زندگی آنان است. ذهنیت سنتی همه در مورد سواد، همان توانایی خواندن و نوشتن است. اما تعریف سنتی جامع‌تر آن مطابق قانون ملی سواد آمریکا (۱۹۹۱) عبارتست از:

"توانایی یک فرد در خواندن، نوشتن و صحبت کردن (به انگلیسی) و توانایی محاسبه و حل مسایل با کارایی لازم برای فعالیت در کار و جامعه در راستای دستیابی به اهداف خود و توسعه دانش و پتانسیل فردی خویش و جامعه".

مطابق تعریفی از سواد که در انگلستان و ایرلند مورد استفاده قرار می‌گیرد، سواد همان مهارت‌های پایه و اساسی مورد نیاز هر فرد است که عبارتند از:

"توانایی ارتباط برقرار کردن به وسیله حرف‌زدن (صحبت) و گوش دادن، خواندن، نوشتن و استفاده از ریاضیات از طریق مجموعه‌های از رسانه‌ها و فناوری‌ها، در راستای ارتقای زندگی روزمره و مشارکت جمعی".

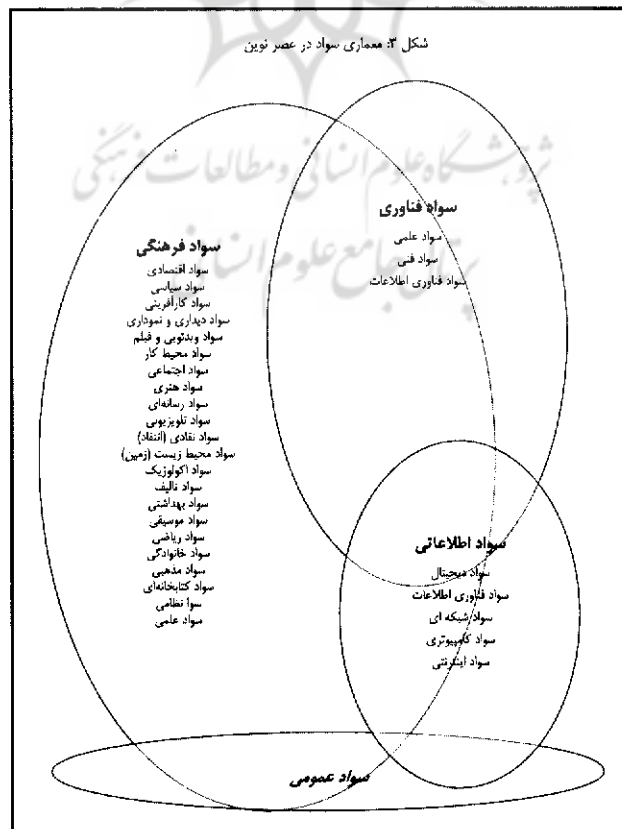
"سواد" توانایی به رمز درآوردن (کُد کردن) و رمز گشایی (دی کُد کردن)

پیام‌هاست (تعریف علمی). در واقع این تعریف، سواد عمومی یعنی خواندن و نوشتن را نیز در بر می‌گیرد. پس سواد فناوری نیز، توانایی به رمز در آوردن و رمز گشایی پیام‌های فناورانه است. به رمز در آوردن و رمز گشایی بادر نظر گرفتن زبان، یعنی همان توانایی فهم، درک و استفاده از کلمات و معانی آن‌ها؛ و به قول شیکزن میهالی (۱۹۹۰)، پیش فرض سواد، وجود مجموعه نشانه‌های مشترکی است که بسان رسانه‌ی انتقال اطلاعات بین ذهن افراد و رخدادهای خارجی عمل می‌کند.

دو مفهوم سوادی عمده برای حرکت به سمت یک جامعه دانش‌بنیان عبارتند از "سواد فناوری" و "سواد اطلاعاتی". اگرچه تعاریف بسیار مختلفی راجع به سواد فناوری وجود دارد اما مفهوم کلی آن ناظر بر "درک و فهم فناوری و ویژگی‌های آن، فرآیند توسعه و بکارگیری، و ارزیابی پیامدها و تأثیرات آن" است. تعریف ساده سواد اطلاعاتی نیز عبارتست از "توانایی و هنر فهم اطلاعات، جستجو و یافتن آنان، تجزیه و تحلیل اطلاعات، بکارگیری فناوری اطلاعات و شبکه‌های کامپیوتری". شکل ۳، ساختار کاملی از عناصر سازنده سواد در عصر نوین را ارائه می‌دهد (بحث عناصر آن از حوصله این مطلب خارج است). آنچه ما باید بدان توجه داشته باشیم تربیت نسل نوینی از افراد باسواد برای آینده کشور است.

### وضعیت اقتصادی کنونی کشور

برای بررسی وضعیت اقتصادی کشور و جایگاه آن در منطقه از شاخص‌های معتبر و آمارهای بین‌المللی استفاده می‌نماییم. از جمله شاخص‌های توسعه اقتصادی یا سطح توسعه یافتگی می‌توان این موارد را برشمرد:



لازم، تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه آنان محاسبه می‌گردد.

**ج. شاخص درآمد پایدار (GNI):** کوشش برای غلبه بر نارسایی‌های شاخص درآمد سرانه و توجه به "توسعه پایدار" به جای "توسعه اقتصادی"، منجر به محاسبه شاخص درآمد پایدار گردید. در این روش، هزینه‌های زیست‌محیطی که در جریان تولید و رشد اقتصادی ایجاد می‌گردد نیز در حساب‌های ملی منظور گردیده (چه به عنوان خسارت و چه به عنوان بهبود منابع و محیط زیست) و سپس میزان رشد و توسعه بدست می‌آید.

**د. شاخص‌های ترکیبی توسعه:** از اوایل دهه ۱۹۸۰، برخی از اقتصاددانان به جای تکیه بر یک شاخص انفرادی برای اندازه‌گیری و مقایسه توسعه اقتصادی بین کشورها، استفاده از شاخص‌های ترکیبی را

**الف. شاخص درآمد سرانه:** از تقسیم درآمد ملی یک کشور (تولید ناخالص داخلی) به جمعیت آن، درآمد سرانه بدست می‌آید. این شاخص ساده و قابل ارزیابی در کشورهای مختلف، معمولاً با سطح درآمد سرانه کشورهای پیشرفته مقایسه می‌شود. زمانی درآمد سرانه ۵۰۰۰ دلار در سال نشانگر توسعه یافتگی بوده است و زمانی دیگر حداقل درآمد سرانه ۱۰۰۰۰ دلار.

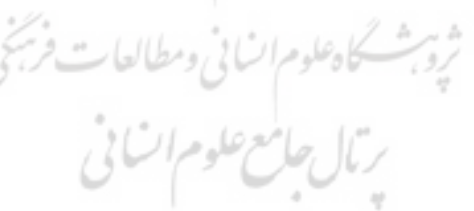
**ب. شاخص قدرت خرید متوازن (PPP):** از آنجا که شاخص درآمد سرانه از قیمت‌های محلی کشورها محاسبه می‌گردد و معمولاً سطح قیمت محصولات و خدمات در کشورهای مختلف جهان یکسان نیست، از شاخص قدرت خرید متوازن استفاده می‌گردد. در این روش، مقدار تولید کالاها در هر کشور، در قیمت‌های جهانی آن کالاها ضرب شده و پس از انجام تعدیلات

پیشنهاد نمودند. به عنوان مثال می‌توان به شاخص ترکیبی موزنی که مک‌گرنانها (۱۹۷۳) بر مبنای ۱۸ شاخص اصلی (۳۷ زیرشاخص) محاسبه می‌نمود، اشاره کرد (بعد، شاخص توسعه انسانی معرفی گردید).

**و. شاخص توسعه انسانی (HDI):** این شاخص در سال ۱۹۹۱ توسط سازمان ملل متحد معرفی گردید که براساس این شاخص‌ها محاسبه می‌گردد: درآمد سرانه واقعی (براساس روش شاخص قدرت خرید متوازن)، امید به زندگی (در بدو تولد)، و دسترسی به آموزش (که تابعی از نرخ باسوادی بزرگسالان و میانگین سال‌های به مدرسه رفتن افراد است).

در ادامه به بررسی وضعیت اقتصادی کشور براساس شاخص‌های مختلف (که اطلاعات کافی، مناسب و قابل استناد در مورد آنان وجود دارد) می‌پردازیم.

کشور ایران از جهت میزان تولید ناخالص داخلی (برحسب قدرت خرید متوازن) در منطقه اول است. این شاخص، بیشتر حجم اقتصاد را نشان می‌دهد تا قدرت اقتصادی یا رفاه عمومی.



میزان درآمد سرانه ایرانیان (براساس قدرت خرید متوازن)، ۷۷۰۰ دلار در سال است که با کشورهای توسعه یافته فاصله زیادی دارد (بیش از ۲۰ هزار دلار در کشورهای توسعه یافته). ایران در منطقه از جایگاه هشتم برخوردار است. این شاخص تا حد خوبی تعیین کننده وضعیت اقتصادی و رفاه عمومی مردم است (اگر چه نحوه توزیع درآمدها را نشان نمی‌دهد و باید از ضریب جینی کمک گرفت).

جدول ۱: تولید ناخالص داخلی (برحسب قدرت خرید متوازن): ۲۰۰۴

رتبه	کشور	تولید (میلیارد دلار)
۱	ایران	۵۱۶٫۷
۲	ترکیه	۵۰۸٫۷
۳	پاکستان	۳۴۷٫۳
۴	مصر	۳۱۶٫۳
۵	عربستان	۳۱۰٫۲
۶	اسرائیل	۱۲۹
۷	عراق	۸۹٫۸
۸	امارات	۶۳٫۶
۹	سوریه	۶۰٫۴
۱۰	کویت	۴۸
۱۱	عمان	۲۸
۱۲	آذربایجان	۳۰
۱۳	اردن	۲۵٫۵
۱۴	افغانستان	۲۱٫۵
۱۵	قطر	۱۹٫۵
۱۶	لبنان	۱۸٫۸
۱۷	یمن	۱۶٫۲
۱۸	بحرین	۱۳
۱۹	ترکمنستان	۴٫۶۴
۲۰	ارمنستان	۲٫۱۳

جدول ۲: سرانه درآمد

(برحسب قدرت خرید متوازن): ۲۰۰۴

رتبه	کشور	درآمد سرانه (دلار)
۱	امارات	۲۵۲۰۰
۲	قطر	۲۳۲۰۰
۳	کویت	۲۱۳۰۰
۴	اسرائیل	۲۰۳۰۰
۵	بحرین	۱۹۲۰۰
۶	عمان	۱۳۱۰۰
۷	عربستان	۱۲۰۰۰
۸	ایران	۷۷۰۰
۹	ترکیه	۷۴۰۰
۱۰	ترکمنستان	۵۷۰۰
۱۱	لبنان	۵۰۰۰
۱۲	ارمنستان	۴۶۰۰
۱۳	اردن	۴۵۰۰
۱۴	مصر	۴۲۰۰
۱۵	عراق	۳۵۰۰
۱۶	سوریه	۳۴۰۰
۱۷	پاکستان	۲۲۰۰
۱۸	افغانستان	۸۰۰
۱۹	یمن	۸۰۰
۲۰	آذربایجان	--

جدول ۳: درآمد ناخالص ملی (GNI): ۲۰۰۴ (همه ارقام ۲۰۰۴ نیست)

رتبه	کشور	شاخص
۱	عربستان	۱۸۷
۲	ترکیه	۱۷۳,۳
۳	ایران	۱۱۳
۴	اسرائیل	۱۰۵
۵	مصر	۹۸
۶	امارات	۶۵
۷	پاکستان	۶۱
۸	کویت	۳۸
۹	عمان	۲۰
۱۰	سوریه	۱۹,۱
۱۱	لبنان	۱۷,۷
۱۲	قطر	۱۵
۱۳	اردن	۹,۱
۱۴	یمن	۹,۱
۱۵	بحرین	۸,۸
۱۶	ترکمنستان	۶,۶
۱۷	آذربایجان	۵,۸
۱۸	افغانستان	۵,۵
۱۹	ارمنستان	۲,۴
۲۰	عراق	---

این شاخص نشانگر کل ارزش افزوده ایجاد شده توسط شهر و ندان یک کشور است که بر حسب مقادیر جاری دلار محاسبه می‌گردد. از این حیث، اقتصاد ایران در جایگاه سوم منطقه قرار می‌گیرد. بالتبع بر این اساس، ایران از جهت شاخص سرانه نیز در جایگاه پایین تری در منطقه قرار می‌گیرد.



این شاخص نشان‌دهنده میزان آزادی اقتصادی یک کشور و مناسب بودن فضای کشور جهت انجام کسب و کار است. هر سال، بنیاد هرینج آمریکا (به عنوان یک اندیشگاه) وضعیت کشورهای مختلف را مقایسه کرده و بر اساس این باور که باید نقش دولت در اقتصاد کاهش یابد، آنان را رتبه‌بندی می‌نماید. جایگاه کشور ما از این بابت اصلاً مناسب به نظر نمی‌رسد.

جدول ۴: شاخص آزادی اقتصادی

رتبه	کشور	شاخص
۱	بحرین	۳
۲	امارات	۲,۸
۳	اسرائیل	۲,۵۵
۴	کویت	۲,۴۵
۵	قطر	۲,۳۵
۶	ارمنستان	۲,۳۵
۷	عمان	۲,۲
۸	اردن	۲,۱۵
۹	عربستان	۲,۰۵
۱۰	لبنان	۱,۷۵
۱۱	پاکستان	۱,۷
۱۲	مصر	۱,۶۵
۱۳	آذربایجان	۱,۶۵
۱۴	ترکیه	۱,۵
۱۵	یمن	۱,۳۵
۱۶	سوریه	۱,۰۵
۱۷	ایران	۰,۸۵
۱۸	ترکمنستان	۰,۸۵
۱۹	عراق	---
۲۰	افغانستان	---

جدول ۵: نرخ رشد واقعی اقتصاد (تولید ناخالص داخلی): ۲۰۰۴

رتبه	کشور	نرخ رشد (درصد)
۱	عراق	۵۲,۳
۲	آذربایجان	۹,۸
۳	ارمنستان	۹
۴	قطر	۸,۷
۵	ترکیه	۸,۲
۶	ترکمنستان	۷,۵
۷	افغانستان	۷,۵
۸	کویت	۶,۸
۹	ایران	۶,۳
۱۰	پاکستان	۶,۱
۱۱	امارات	۵,۷
۱۲	بحرین	۵,۶
۱۳	اردن	۵,۱
۱۴	عربستان	۵
۱۵	مصر	۴,۵
۱۶	لبنان	۴
۱۷	اسرائیل	۳,۹
۱۸	سوریه	۲,۳
۱۹	یمن	۱,۹
۲۰	عمان	۱,۲

بر اساس این شاخص، رشد واقعی اقتصاد (رشد تولید ناخالص داخلی بر حسب قدرت خرید متوازن) نشان داده می‌شود.



این شاخص مبین مقدار جمعیت زیر خط فقر کشور است. تعریف فقر بسیار مختلف است. اما دو شاخص ملی و بین‌المللی وجود دارد که شاخص بین‌المللی، خط فقر را درآمدهای روزانه زیر ۱ دلار تعریف می‌نماید. در این زمینه، آمارهای مختلفی وجود دارد که ما آمار سازمان اطلاعات و جاسوسی آمریکا (CIA) را استفاده نمودیم.

جدول ۶: جمعیت زیر خط فقر (۲۰۰۴)

رتبه	کشور	درصد
۱	مصر	۱۶,۷
۲	اسرائیل	۱۸
۳	ترکیه	۲۰
۴	سوریه	۲۰
۵	لبنان	۲۸
۶	اردن	۳۰
۷	پاکستان	۳۲
۸	ایران	۴۰
۹	یمن	۴۵
۱۰	آذربایجان	۴۹
۱۱	ارمنستان	۵۰
۱۲	افغانستان	۵۳
۱۳	ترکمنستان	۵۸
	عراق	
	قطر	
	کویت	
	امارات	
	بحرین	
	عمان	
	عربستان	



جدول ۸: میزان صادرات (۲۰۰۴)

رتبه	کشور	میلیارد دلار
۱	عربستان	۱۱۳
۲	امارات	۶۹,۴
۳	ترکیه	۶۹,۴
۴	<b>ایران</b>	<b>۳۸,۷</b>
۵	اسرائیل	۳۴,۴
۶	کویت	۲۷,۴
۷	لبنان	۱۸
۸	قطر	۱۵
۹	پاکستان	۱۵
۱۰	عمان	۱۳
۱۱	مصر	۱۱
۱۲	عراق	۱۰,۱
۱۳	بحرین	۸,۲
۱۴	افغانستان	۷,۵
۱۵	سوریه	۶
۱۶	یمن	۴,۵
۱۷	ترکمنستان	۴
۱۸	آذربایجان	۳,۲
۱۹	اردن	۳,۲
۲۰	ارمنستان	۰,۸۵

نرخ بیکاری، یکی از مهم‌ترین شاخص‌های نشان‌دهنده وضعیت اقتصادی یک کشور است. اگرچه میزان بیکاری در این آمار، ۱۱,۲ درصد اعلام شده است اما بسیاری از آمارهای داخلی و خارجی، موید مقداری بین ۱۵ تا ۱۶ درصد می‌باشد.

میزان صادرات یک کشور، نشان‌دهنده قدرت اقتصادی یک کشور و توانایی آن در فروش کالاها و خدمات است. صادرات یکی از مهم‌ترین شاخص‌های نشانگر قدرت اقتصادی یک کشور است.

جدول ۷: نرخ بیکاری (۲۰۰۴)

رتبه	کشور	درصد
۱	کویت	۲,۲
۲	امارات	۲,۴
۳	قطر	۲,۷
۴	مصر	۴,۵
۵	افغانستان	۷,۵
۶	پاکستان	۸,۳
۷	ارمنستان	۹
۸	ترکیه	۹,۳
۹	آذربایجان	۹,۸
۱۰	اسرائیل	۱۰,۷
<b>۱۱</b>	<b>ایران</b>	<b>۱۱,۳</b>
۱۲	بحرین	۱۵
۱۳	اردن	۱۵
۱۴	عمان	۱۵
۱۵	لبنان	۱۸
۱۶	سوریه	۲۰
۱۷	عراق	۲۵
۱۸	عربستان	۲۵
۱۹	یمن	۲۵
۲۰	ترکمنستان	۶۰

جدول ۱۰: بازبودن کشور

رتبه	کشور	شاخص بازبودن
۱	اسرائیل	۶۳,۹۹
۲	ترکیه	۵۸,۵۲
۳	لبنان	۵۳,۴۴
۴	بحرین	۴۵,۵۲
۵	مصر	۳۳,۹۹
۶	عمان	۳۳,۸۳
۷	اردن	۳۳,۴۱
۸	پاکستان	۳۱,۰۷
۹	ترکمنستان	۱۲,۸۶
۱۰	کویت	۱۲,۰۵
۱۱	سوریه	۱۰,۶۱
۱۲	ارمنستان	۹,۶۲
۱۳	آذربایجان	۹,۱۸
۱۴	عربستان	۸,۸۹
۱۵	یمن	۵,۹۰
<b>۱۶</b>	<b>ایران</b>	<b>۵,۷۷</b>
	امارات	
	عراق	
	قطر	
	افغانستان	

در این جدول، رتبه کشورهای مختلف منطقه را در سطح جهان نشان داده‌ایم. نهاد "برنامه توسعه سازمان ملل متحد" (UNDP) هر سال وضعیت کشورهای مختلف را بررسی نموده و آنان را رتبه‌بندی می‌نماید. رتبه کشور مادر سال ۲۰۰۲، ۹۶ بوده است در حالیکه در سال ۲۰۰۳ به ۱۰۶ تنزل یافت. امادر سال ۲۰۰۴، به ۹۹ ارتقا یافت. از آنجاییکه نحوه محاسبه این شاخص در چند سال اخیر، تغییراتی داشته است، نمی‌توان با اطلاعات گذشته مقایسه مناسبی انجام داد.

شاخص "بازبودن"، نشان‌دهنده میزان بازبودن یک کشور در برابر تجارت بین‌المللی و بازدیدکنندگان خارجی است که هر سال توسط "شورای گردشگری جهانی" ارزیابی می‌گردد. این شاخص بر اساس عواملی همچون نحوه اعطای روادید، گردشگری، بازرگانی و میزان مالیات‌ها محاسبه می‌گردد.

جدول ۹: شاخص توسعه انسانی (۲۰۰۵)

رتبه جهانی	کشور	رتبه
۲۳	اسرائیل	۱
۴۰	قطر	۲
۴۱	امارات	۳
۴۳	بحرین	۴
۴۴	کویت	۵
۷۱	عمان	۶
۷۷	عربستان	۷
۸۱	لبنان	۸
۸۳	ارمنستان	۹
۹۰	اردن	۱۰
۹۴	ترکیه	۱۱
۹۷	ترکمنستان	۱۲
<b>۹۹</b>	<b>ایران</b>	<b>۱۳</b>
۱۰۱	آذربایجان	۱۴
۱۰۶	سوریه	۱۵
۱۱۹	مصر	۱۶
۱۲۵	پاکستان	۱۷
۱۵۱	یمن	۱۸
	عراق	
	افغانستان	